



کارنامه خوب میثاقی در قرارداد ویلموتس!



احسان محمدی

Ehsan Mohammadi

اگر احياناً اینجا دنبال مُشت محکم و محکوم باید گردد و «این سرور اونه» می‌گردید، بهتر است ورق بزنید و بگذرید. چیز زیادی دستگیرتان نمی‌شود. در ۴۱ سالگی به دو قطبی‌های سیاه - سفید، شیطان - رفته و قهرمان- خائن اعتقادی ندارم. هم عادل فردوسی‌پور خودش خبر دارد که چقدر در تمام سال‌های فعالیتش از کارهای خوب و رفتارهای جسورانه‌اش دفاع کرده‌ام و هم محمدحسین میثاقی می‌داند در این مدت برنامه‌اش را چطور دیده‌ام. سن من از شیفتگی و واله شدن رد شده است، روزنامه‌نگار حق دارد کسی را کمتر یا بیشتر دوست داشته باشد اما حق ندارد مسخ کسی شود و آن را به عنوان نسخه تمام عیار بشريت به خورد خلق خدا بدهد. دو برنامه فوتبال برتر با موضوع قرارداد ویلموتس را دیدم. همان اولی که مهدی تاج میهمان بود و با همان لحن متفرعن و «برو بابا اسدالله» با محمدحسین میثاقی حرف می‌زد و تمام قد از قرارداد ویلموتس دفاع می‌کرد و هیچ نقدی را نمی‌پذیرفت و با علم به اینکه میثاقی تحت فشار جبهه بزرگی از بینندگان و هواداران پرشور عادل در رسانه‌هاست، برای یارگیری گاهی نیش و طعنه‌های استخوان‌سوزی به او می‌زد که جای کس دیگری را غصب کرده و هم برنامه دوشنبه شب که تشت از بام افتاده بود و مجری جوان بدش نمی‌آمد مستقیم بپرسد: حکم آقای تاج در این تخلف چه می‌شود؟

این دو برنامه نشان داد که محمدحسین میثاقی و تیم فوتبال برتر حالا هویت مستقلی دارند و اگر منصف باشیم وقتش است از لذت له کردن او دست برداریم. من می‌دانم «لایک» کجاست، خبر دارم چطور می‌شود نوشت که جماعت یقه بدرند و بگویند با غیرت و نویسنده فقط تویی و این سوت و کف‌های دروز که گاهی اوقات ریپی به عمق نوشتار ندارد. هرچه فریاد بلندتر و مشت محکم‌تر و زاویه با ساختار کشور بیشتر، انگار سلحشورانه‌تر و حق به جانب‌تر! ایرادی هم نمی‌بینم که کسی یا کسانی این کار را بکنند. دنیا با همین تنوع عقاید و سلاقی قابل تحمل‌تر است اما تبدیل آن به الگوی ثابت و اینکه اگر کسی مثل من فکر نکند لابد خود فروخته و خائن است، راه به خطا رفتن است. همانطور که اگر مجلات ورزشی قدیمی را ورق بزنید می‌شود دید چهره‌هایی مثل عطا بهمنش و روشن‌زاده هم زمان خودشان گرفتار طعنه‌ها و متلک‌ها و «شما بی سوادید»‌های مختلفی بوده‌اند. عادل فردوسی‌پور یک نمونه بسیار کم‌همتا در تلویزیون بود و هست. (تردید ندارم خیلی زود و با احترام تکثیر شده برمی‌گردد) کارش را بلد است و به عنوان یک شیفته فوتبال از سوی بخش بزرگی از مردم پذیرفته شده، اینکه مهره مار دارد یا رگه‌هایی از رندی که محبوبیتش را مضاعف کرده است داستان دیگری است اما یک حرفه‌ای کاربلد است. حتی مخالفان سرسختش هم نمی‌توانند انکارش کنند. الان هم نه با تلویزیون قهر کرده و نه شمشیر کشیده است، برنامه فوتبال ۱۲۰ را مثل همیشه جذاب روی آنتن می‌برد. قطعاً دل آزرده است و برای فرزندش برنامه نود هم دلنگت اما جایی ندیدم و نخواندم که علیه مدیران تلویزیون حرفی بزند که رسانه‌ای شود. ملاحظیات خودش را دارد و قابل درک است و مثل برخی توقع ندارم شمشیر بردارد و به سمت جام جم یورش

ببرد!

من هم اگر حق انتخاب داشته باشم ترجیح می‌دهم با عادل به سفر یا بهشت بروم تا آقای فروغی مدیر شبکه سه اما دلیل این همه هجمه و لذت تکه پاره کردن محمدحسین میثاقی و تقلا برای ضعیف و بی‌مخاطب نشان دادن برنامه‌اش را نمی‌فهمم. ساختار برنامه فوتبال برتر را شبیه نود نمی‌دانم، همانطور که کاراکتر محمدحسین میثاقی شبیه عادل فردوسی‌پور نیست. او اگر جای محمدحسین بود حتماً به سبک دیگری با تاج برخورد می‌کرد و قرارداد را به شیوه دیگری نقد می‌کرد اما آنچه میثاقی و تیمش انجام داد هم حرفه‌ای و قابل احترام بود. بی‌توهین و پرخاش یا تحقیر تقریباً همه سؤالات و نقدها را وارد کرد و کارش را به عنوان یک مجری برنامه ورزشی به درستی انجام داد. وکیل جوان فدراسیون فوتبال را با یکی دو اشاره مثل «جمع کردن رزومه»، «خوشحال بودن از انجام کار بدون دریافت حقوق» و ... عملاً خلع سلاح کرد و به درستی گفت اینکه برای این کار پولی نگرفته‌اند نه حرفه‌ای است و نه توجیه‌کننده امر. در گپ و گفت با نماینده مجلس و نماینده قوه قضاییه هم پرسش‌هایش درست مطرح شد هم بیهوده وسط پاسخ‌ها نپريد و هم کوشید انصاف را در زمان دادن به معاون وزارت ورزش رعایت کند.

تلویزیون رسانه به شدت بی‌وفایی است. مثل انقلاب‌ها، فرزندان خودش را می‌خورد. از رضا رشیدپور تا فرزاد حسینی و فرزاد جمشیدی گرفته تا مهران مدیری و سیدجواد یحیوی و محمود شهریاری که هر کدام بره‌های محبوب مدیران و مغضوب آنها بوده یا هستند. هیچ بعید نیست که این خورده شدن در انتظار محمدحسین میثاقی هم باشد. کسانی که می‌گویند «او محبوب قلب مدیران تلویزیون است و آمده تا

یاد و خاطره عادل فردوسی‌پور را از یادها ببرد و خیال کرده» اگر کمی صبر کنند خواهند دید که او هم از این اسب خواهد افتاد. این ذات تلویزیون است و آن وقت حتماً وقت و لذت بیشتری برای کوفتنش دارند اما جز «دلم خنک شد» چیزی حل می‌شود؟

خیلی دور و دیر نیست که عادل فردوسی‌پور و محمدحسین میثاقی دوباره با لبخند کنار هم عکس یادگاری بگیرند. پیش از آنها کسانی که با هم جنگیدند، به طرف هم گلوله شلیک کردند و کشورهای همدیگر را به خاک و خون کشیدند هم دست در گردن هم انداختند و راه آشتی در پیش گرفتند. در این دو قطبی‌سازی خیلی ذوب نشویم و وجدان و انصاف‌مان را حراج نکنیم.

برای دوست داشتن عادل فردوسی‌پور لازم نیست از محمدحسین میثاقی متنفر باشیم. کارش را ببینیم و نقد کنیم. کمکش کنیم برنامه‌اش بهتر شود. نه فقط او را که باقی جوانترهایی که دارند برنامه می‌سازند و احياناً اشتباه می‌کنند را به سمت بالا هل بدهیم نه اینکه مچ پایشان را بگیریم و مدام به زیر بکشیم. این نه یک توصیه اخلاقی و ژست حکیمانه که شرط «انسان» بودن است. کمک به همدیگر برای ساختن جهانی قابل تحمل‌تر نه نیش زدن بی‌وقفه و سم ریختن دمام به روح و جان یکدیگر.

او گرچه در نظرگاه برخی از مردم به دلیل نشستن روی صندلی دوشنبه شب‌ها به عنوان رقیب عادل فردوسی‌پور مقصر شناخته می‌شود (در ترویج این نگاه عده زیادی از روزنامه‌نگاران دخیل هستند) اما از منظری دیگر قربانی تصمیم مدیرانی شد که با هنرمندی هرچه تمام‌تر یک هزینه غیرضروری برای سلب اعتماد از تلویزیون را تراشیدند. کسانی که خیلی زود به خاطره‌ها می‌پیوندند اما دوگانه عادل- میثاقی هنوز ادامه دارد.

به استقبال چهارشنبه جذاب فوتبال ایران

دری تهران؛ این حساسیت قلبی نیست



علی مغانی

Ali Moghani

دربی تهران چه در قالب تورنمنت دوستانه جام ولایت باشد و چه پای فینال جام حذفی، بازی مهمی است. حساسیت دربی، مصنوعی و تقلبی نیست. این یکی از معدود جنس‌های اورژینال فوتبال ایران است که کسی نخواسته به زور آن را مهم و حساس جلوه دهد.

پای خاطرات بازیکنان قدیمی که بنشین، از حس و حال عجیبی می‌گویند که در اولین دربی‌ها تجربه کرده‌اند. هیچ کس به آنها القا نکرده بوده که «دربی شبیه هیچ بازی دیگری نیست» اما همین که وارد زمین شده‌اند، خودشان این تفاوت را تا مغز استخوان حس کرده‌اند. خیلی از آنها می‌گویند که در ده دقیقه یک ربع ابتدایی، اصلاً نمی‌دانستند کجا هستند و چه می‌کنند؟ انگار هرچه در سال‌های گذشته در «کوله بار تجربه» انداخته بودند، به یکباره خالی می‌شود. از منظر هواداران، برد در یک دربی می‌تواند برای هفته‌ها طعم شیرین «برتری» را

به عمق وجود آنها تزریق کند. در یک الگوی کلی، طرفداران استقلال و پرسپولیس در هر فصل دو مطالبه از تیم محبوب‌شان دارند: ۱ قهرمانی در لیگ ۲ پیروزی در دربی. اگر مطالبه اول محقق نشد، فتح بازی رود رو با رقیب سنتی می‌تواند مرهمی برای ناکامی آنها در تحقق هدف اول باشد.

درست با غلط، همین الگو برای ارزیابی مربیان شاغل در این دو تیم هم وجود دارد و نه فقط از نگاه هواداران که از دید رسانه‌ها هم، مربی موفق در استقلال و پرسپولیس کسی است که با قهرمانی در لیگ را جشن بگیرد یا در دربی تیم پیروز میدان باشد. به تعبیری این بازی، سرنوشت شغلی مربیان را هم به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و مربی بازنده، اگر در لیگ هم موفقیتی نداشته باشد بیشتر از هر وقت دیگری به درهای خروجی باشگاه نزدیک می‌شود.

علاوه بر مربیان، گاهی سرنوشت بازیکنان هم با دربی گره می‌خورد. گل زدن در این بازی حساس، چنان محبوبیتی برای گلزن به ارمغان می‌آورد که با هیچ موفقیت دیگری قابل قیاس نیست. این مورد خاص فقط مختص به نبرد تهران نیست و در بقیه دنیا هم کم و بیش چنین وضعیتی حکمفرماست. فابیو بورینی یکی از این نمونه‌هاست که محبوبیتش در یک باشگاه را مدیون گل زدن در دربی است. او که روزگاری پیراهن تیم ساندرلند را می‌پوشید، در یکی از پر سر و صداترین دربی‌های دنیا یعنی رقابت ساندرلند و نیوکاسل، در هر دو بازی رفت و برگشت

گل زد تا تیمش در هر دو بازی پیروز باشد. همین دو گل کافی بود تا این مهاجم ایتالیایی محبوبیت عجیبی روی سکوها پیدا کند. در ایران هم هنوز محسن خلیلی و امید روانخواه با لقب «رفت و برگشت» شناخته می‌شوند و یا ایمن زاید که در یکی از عجیب‌ترین دربی‌های تاریخ نتیجه بازی را به کلی تغییر داد، در واقع در مدت حضورش در پرسپولیس درخشش ویژه‌ای نداشت اما همچنان به لطف آن هت‌تریک تاریخی، یک چهره محبوب در میان پرسپولیسی‌هاست. دربی پیش رو، اگرچه از حضور تماشاگر بی‌بهره است اما همان نسبت‌های همیشگی در آن برقرار است. یحیی گل محمدی اگرچه با پرسپولیس قهرمان لیگ شده و قطعاً فصل آینده هم مربی قرمزهاست اما اضافه شدن او به پرسپولیس صدرنشین در نیم فصل، باعث شده فقط بخشی از این موفقیت به نام او نوشته شود و نه تمام آن. موفقیت در این دیدار می‌تواند محبوبیت یحیی در پرسپولیس را دوچندان کند و در نقطه مقابل، فرهاد مجیدی بعد از دو راند برتری در برابر سپاهان و رقیب مستقیمش، امیر قلعه‌نویی حالا برای تثبیت شدن در جایگاه فعلی باید از دربی هم سربلند بیرون بیاید. فرهاد بهتر از هر کسی می‌داند که پیروزی در این بازی، به منزله ادامه کار او یا استقلال در لیگ بیستم است.

دربی روز چهارشنبه آینده، بازی قشنگی می‌شود؟ شاید آری و شاید نه. اما هرچه باشد، ذره‌ای از حساسیت واقعی آن کم نمی‌شود.